

## توسعه کوثری و توسعه تکاثری؛ بررسی دو رویکرد توسعه اسلامی و نوسازی قدیم

علی شیرخانی\*

فاطمه میرعباسی\*\*

توسعه و نوسازی هرچند عمری به درازای عمر بشر دارد؛ ولی مباحث نظری آن بیشتر پس از جنگ دوم جهانی و در جهان غرب طرح گردید و مورد نظریه‌پردازی در این زمینه گردید. اما رابطه و مقایسه آن مباحث با آموزه‌های دینی به‌ویژه آموزه‌های شیعی، همچنان دارای ابهام و محل نظر است. البته در این باره پس از انقلاب اسلامی مطالبی نگاشته شده؛ ولی همچنان ناکافی است؛ لذا هم‌اکنون با این پرسش مواجهیم که آیا آموزه‌های دینی درباره مسئله توسعه نظری ارائه کرده است و با نظریات غربی چه تفاوت و چه تشابهی دارد؟ به نظر می‌رسد الگوی توسعه بر مبنای نظریات نوسازی قدیم که تقابل سنت و مدرن را اصل مسلم خود قرار داده است، مبتنی بر انباشت ثروت است (تکاثر) و اصل اولیه در آن بر عدم توجه به عدالت است؛ ولی در دیدگاه‌های اسلامی شیعی مبتنی بر توزیع ثروت است (کوثر) و بر جاری بودن ثروت و رشد و توسعه تأکید دارد. نوشتار حاضر هدفش بررسی مقایسه تطبیقی دو رویکرد توسعه کوثری و توسعه تکاثری است. مقاله برای دستیابی به این هدف از روش مقایسه‌ای سود جسته است. الگوی توسعه کوثری که مبتنی بر ارزش‌های الهی-اسلامی است؛ در مقابل الگوی توسعه غربی و نوسازی قدیم قرار می‌گیرد که مبتنی بر کشف طبیعت برای تسلط بر طبیعت و ماده‌محوری است.

**واژگان کلیدی:** توسعه، پیشرفت، توزیع، عدالت، ثروت، کوثر، تکاثر.

\*. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.



## مقدمه

با افزایش سطح دانش و فهم بشر، وضعیت زندگی انسان همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. پس از انقلاب فرهنگی - اجتماعی اروپا (رنسانس) و انقلاب‌های دیگر، در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی، موج پیشرفت‌ها در کشورهای غربی و اروپایی آغاز شد. فشار صنعتی‌شدن و رشد فناوری در این کشورها همراه با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی، باعث شد تا در کوتاه مدت، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب‌مانده عمیق‌تر شود و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد: کشورهای پیشرفته (یا توسعه‌یافته) همراه با رفاه و کشورهای عقب‌مانده (یا توسعه‌نیافته) همراه با فقر و گرسنگی.

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، اندیشه‌ها و نظریه‌های توسعه در جهان شکل گرفت. بسیاری از مردم و اندیشمندان در کشورهای پیشرفته و نیز در کشورهای جهان سوم، کشورهای قدرتمند و استعمارگر را مقصر عقب‌ماندگی جهان سوم دانستند. برخی نیز عدم حاکمیت تفکر مدرن را بر تمامی ارکان زندگی جوامع سنتی، علت اصلی خواندند و تنها راهکار پیشنهادی آنها «مدرن‌شدن به سبک غربی» بود. برخی دیگر حکومت‌های فاسد و دیکتاتوری در کشورهای توسعه‌نیافته و نیز ضعف‌های فرهنگی و اجتماعی این ملل را عامل اصلی دانسته و عده‌ای نیز دین یا حتی ثروت‌های ملی را علت رخوت و عدم پیشرفت و توسعه خوانده‌اند.

روند توسعه در این کشورها با هدف رسیدن به پیشرفت‌ها و خط‌مشی صنعتی‌شدن، انباشت ثروت در قالب برنامه‌ریزی از سوی سازمان‌ها و همراهی دولت‌های جهان سوم آغاز شد؛ ولی ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این جوامع با تحول ناسازگار بود؛ چراکه تعریف درستی از توسعه در میان آنها وجود نداشت و همین امر موجی از یک بحران فکری در حوزه‌های نظری به وجود آورد و موجب شد تا اندیشمندان، این اندیشه و برنامه را بازنگری کنند. در این راستا، نظریه‌های متعددی در قالب مکاتب مختلف توسعه به صورت تکاملی ارائه شده است.

به هر حال، تمایز میان مکاتب و دیدگاه‌های مختلف در باب توسعه، معطوف به ارزش‌ها و معیارهایی است که اندیشمندان در نگاه خود بدانها توجه دارند. اما آنچه در این نوشتار مد نظر است صرفاً بررسی نظریه نوسازی قدیم (اولیه) می‌باشد که محوریت آن بر مبنای تفکر نسبی‌گرایی، مادی‌گرایی، سکولاریسم و جدایی دین از نیازهای دنیوی است که زاینده عقلانیت معیشت‌محور و لذت‌گرایی است، می‌باشد و به دلیل حداکثرسازی سود و انباشت سرمایه به تکاثرطلبی مبدل شده است.

میان مشخصاتی که نظریه‌پردازان مکتب نوسازی مطرح نمودند، با همه تفاوت، مواردی وجود دارد که بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است؛ ویژگی‌هایی چون سکولاریسم، شهرنشینی، گسترش علم و تکنولوژی، افزایش تحرک اجتماعی، نظام پاداش اجتماعی بر اساس لیاقت و شایستگی نه موقعیت‌های شخصی، پذیرش نوآوری و تنوع دیدگاه‌ها، محدودیت کنترل‌هایی که قدرتمندان سیاسی در زندگی اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌کنند، به‌ویژه ظهور فضای خصوصی، برقراری حاکمیت قانون و توسعه‌بخش گسترده نیروی کار در جامعه که ویژگی توسعه اقتصادی مبتنی بر بازار را تکمیل می‌نماید که کاملاً خارج از کنترل مستقیم قدرتمند مذهب و سیاست (ساعی، ۱۳۹۱، ص ۸۳) در جوامع سنتی است.

در مقابل، توسعه اسلامی - کوثری قرار دارد؛ توسعه‌ای بر مبنای اسلام ناب محمدی ﷺ و شیعه دوازده امامی که می‌تواند بستر مناسبی برای رشد همه‌جانبه تمام آحاد ملت فراهم سازد تا افراد جامعه با بهره‌گیری از آن بتوانند مسیر تکاملی خویش را به‌طور شایسته طی نمایند؛ الگویی که هیچ‌گونه مخالفتی با بهبود وضع رفاه اقتصادی ندارد، کما آنکه مشکل اقتصادی بشر را در توزیع ناعادلانه ثروت می‌داند که مردم را از حق طبیعی‌شان محروم می‌سازد. یکی از مؤلفه‌های اساسی این الگو عنصر عقل است که ملهم از نصوص دینی (آیات و روایات) می‌باشد؛ عقلی که منبع و ابزار ادراکی دارد و حاصل آن تعقل و تدبیر است و انسان را از نفس اماره و شیطانی محفوظ می‌دارد. دیگری حکمت با دستاوردهای نظری و عملی که زاینده عقل ناب است. این الگو با توجه به اصول

اعتقادی و معنوی خواهان طراحی و توسعه در جهت مطلوبیت دنیا و آخرت می‌باشد.

بدیهی است نظریات جدید توسعه و نوسازی و نظریه توسعه اسلامی در مقابل نظریات نوسازی قدیم می‌باشد؛ چراکه هر دو این نظریات در مورد ضعف‌های ساختاری و مفهومی نظریات نوسازی قدیم و تجربه شکست این نظریات در دهه‌های گذشته دارای اشتراک‌نظرهایی می‌باشند، اما در وجه ایجابی قضیه، باید تفاوت‌های دو الگوی مذکور برای مواجهه با عقب‌ماندگی کشورهای توسعه‌نیافته مشخص شود. بر همین اساس، با ذکر شاخصه‌های نوسازی قدیم در قیاس با توسعه اسلامی به صورت روش تحلیل مقایسه‌ای (کیفی) بر مبنای مطالعات تطبیقی به بیان وجوه افتراق و اشتراک توسعه به معنای نوسازی قدیم در دو رویکرد غربی و اسلامی شیعی دوازده امامی می‌پردازیم تا این مقایسه گویای آن باشد که می‌توان با اجرای دستورهای الهی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، ضمن استفاده از نقاط مثبت غرب و حفظ هویت دینی، به استفاده مطلوب از دستاوردهای بشری پرداخت؛ به این معنا که می‌توان از عقلانیتی (هماهنگ با عقلانیت اسلامی) بهره گرفت که غربی‌ها برای معیشت دنیوی دارند؛ همچنین می‌توان از بعضی راهکارهای غرب مانند علوم پایه و تکنولوژی در زمینه یک پیوست و به منظور بهبود معیشت جامعه دینی استفاده کرد و از این راهکارها بر اساس نگرش اجتهادی نه التقاطی، بهره گرفت.

آنچه در این نوشتار به عنوان فرضیه دنبال می‌شود این است که هر دو الگوی توسعه غربی با رویکرد نوسازی قدیم و توسعه اسلامی بر اساس آموزه‌های شیعی دوازده امامی، ضمن داشتن اندک اشتراک‌ها، در انباشت ثروت نیز دارای اتفاق نظر می‌باشند؛ ولی رویکرد اسلامی ضمن پذیرش انباشت ثروت به‌طورموازی بر توزیع ثروت تأکید فراوانی دارد. البته «انباشت به معنای پس‌انداز درست نه کنز» در هر زمینه اعم از اقتصاد، علم نه‌تنها نامطلوب نیست، بلکه بسیار هم مطلوب و لازم است؛ البته به شرط آنکه با نظام توزیع و عدالت‌خواهی منافاتی نداشته باشد و ضامن توسعه اجتماعی و ترقی همه‌جانبه تمامی افراد جامعه گردد.

از آنجاکه «الگوی توسعه مطلوب تابعی از الگوی نیازهاست و نیازها نیز تابعی از نظام فلسفی و ارزشی فرد و جامعه است» (خاکبان، ۱۳۷۵، ص ۶۴) تا زمانی که نظریه پردازان و طرفداران الگوی توسعه از نیازهای اصلی بشر غافل باشند و سرمایه داران و سیاستمداران دنیاپرست بر مراکز تصمیم‌گیری تسلط بیابند، تحقق توسعه‌ای که بتواند مطلوب و همه‌جانبه باشد امری دور از واقعیت خواهد بود. اما یک چیز واضح و مبرهن است؛ در دین مبین اسلام، آفرینش هدفمند است و این هدفمندی مسیر هماهنگی را فراهم می‌سازد تا انسان عاقل بتواند با بهره‌گیری از نصوص دینی و اجرای دقیق آن، مسیر توسعه مطلوب را هموار سازد و در عمل گویای آن است که توسعه کوثری، تنها الگوی جامع و فراگیری است که می‌تواند ضامن رشد و ترقی همه‌جانبه یک جامعه پویا و پایدار باشد (میرعباسی، ۱۳۹۳، ص ۱۶).

بنابراین همان‌طور که طراحان و نظریه‌پردازان توسعه غرب با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای فرهنگی خود تحولی در ابعاد گوناگون اجتماعی پایه‌ریزی کردند و نام آن را توسعه گذاشتند (خاکبان، ۱۳۷۵، ص ۶۵)، ما نیز حق داریم با تکیه بر ارزش‌ها و معیارهایی که خداوند متعال از طریق دین مبین اسلام برای ما تدبیر نموده است، در مسیر تحقق پیشرفت و توسعه کشور اسلامی خویش گام برداریم.

### توسعه کوثری (توزیع ثروت)

کوثر در لغت به معنای جامع و وسیع و خیر فراوان است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۸۰۶). این آیه در مقام حضرت زهرا علیها السلام بیان شده است؛ اما روشن است این معنا می‌تواند مصادیق متعددی همچون وحی، نبوت، قرآن، مقام شفاعت، علمای امت، علم و حکمت، اخلاق نیکو و هر آنچه که خداوند به عنوان برکات آسمانی و زمینی آفریده و قابل شکرگزاری است، داشته باشد؛ چراکه این سخن خداوند زمانی به پیامبرش نازل شد که آثار این خیر کثیر هنوز ظاهر نشده بود. این خبری بود اعجاز‌آمیز از آینده نزدیک و آینده‌های دور که حقانیت دعوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می‌کرد. اجرای دستورهای الهی مطابق آیات و روایات معصومین

در هر نوع فعالیت می‌تواند توسعه مطلوبی را به همراه داشته باشد. با آنکه توسعه کوثری صرفاً اقتصادی نیست، به این علت که اقتصاد مطلوب می‌تواند متضمن ترقی و رشد همه‌جانبه جامعه و افراد آن باشد، از سوی دیگر مطلوبیت این امر نیز با انسان‌مداری، اکتشاف، نوآوری، تولید و توزیع در جامعه فراهم می‌گردد، در این نوشتار به بیان وجه اقتصادی و تبعات ناشی از آن در جامعه می‌پردازیم.

مقصود از توزیع، تخصیص و تقسیم متوازن ثروت‌های طبیعی و درآمدهای اقتصادی بین افراد جامعه است؛ به‌گونه‌ای که هر کس به سهم واقعی خود دست یابد و حاصل فعالیت‌های وی به او باز گردد (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷)؛ فعالیت‌هایی که روی نعمت‌های خداوند در زمین انجام می‌شود و باید آن نعمت‌ها را پاس داشت؛ در غیر این صورت مشمول این آیه می‌شود «وَأَتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» و از او هر چه که خواستید به شما عطا کرد و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید؛ به یقین انسان ستم‌پیشه و ناسپاس است» (ابراهیم: ۳۴). از عبارت «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» استفاده می‌شود که بشر امکانات خدادادی را با ناسپاسی هدر می‌دهد. روشن است کاربرد واژه «ظلوم» پس از یادآوری نعمت‌های مادی به ستمی اشاره می‌نماید که انسان‌ها در امور اقتصادی بر یکدیگر روا می‌دارند و واژه «کفار» هم به ناسپاسی و کفران نعمت‌ها اشاره می‌کند؛ به تعبیر شهید صدر واژه «ظلوم» بیشتر در توزیع نابرابر ثروت‌ها و واژه «کفار» بیشتر در مصارف بی‌رویه منابع و اهمال در حفظ و نگهداری آنها ظهور می‌یابد (صدر، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲-۲۳۳)؛ بنابراین توسعه کوثری با اهداف زیر تحقق می‌یابد:

۱. دستیابی به امنیت سیاسی - اقتصادی: بدون تردید رسیدن به توازن اجتماعی و تقارن نسبی افراد جامعه در برخورداری از سطح زندگی شرافتمندانه از اهداف زندگی اجتماعی و اقتصادی اسلام است. در بینش دینی، نابرابری‌های ناشی از میزان استعداد، مهارت، ابتکار و قابلیت‌های شخصی پذیرفتنی می‌باشد (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۳۲۶-۳۲۷) و حتی برای بقای حیات انسان و جامعه ضروری است؛

ولی اگر دامنه نابرابری‌ها در توزیع منابع اولیه، درآمدها، امکانات زیستی، مشاغل و فرصت‌های اجتماعی به جایی برسد که عده‌ای بخواهند سهم بیشتری را به خود اختصاص دهند، جامعه در معرض آشوب‌های اجتماعی قرار خواهد گرفت و رشته تعادل آن اثر شدت شکاف طبقاتی از هم گسسته خواهد شد.

۲. رسیدن به عدالت اجتماعی - اقتصادی: در این زمینه کافی است بدانیم که قرآن، پس از بیان حکم غنایم فراوان جنگ بنی‌نضیر، به حکمت توزیع عادلانه آن اشاره می‌فرماید که «کی لایکون ذولۀ بین الأغبیاء: این بدان جهت است که این اموال عظیم، تنها میان ثروتمندان شما دست به دست نگردهد» (حشر: ۷).

این عبارت کوتاه خطوط اصلی اجتماع و اقتصاد در نگاه اسلام را نشان می‌دهد. اسلام می‌خواهد با این سازوکارهای توزیعی از انباشته‌شدن ثروت در دست افرادی خاص جلوگیری کند و آن را مانند خون به تمام رگ‌های حیاتی جامعه تزریق نماید. اگر چنین اتفاقی بیفتد و همگان به این اصل پایبند باشند و حقوق مالی‌شان را پرداخت کنند، نظام توزیع نیز دچار رکود و اختلال نمی‌شود و همه احساس بی‌نیازی خواهند کرد و طبقه محروم نخواهد بود؛ چنان‌که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إنَّ الناسَ یستغنون إذا عدلَ بینهم: آن‌گاه که میان مردم [در توزیع ثروت‌ها و درآمدها] عدالت اقتصادی حکم‌فرما شود، همگان بی‌نیاز می‌شوند» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۵۶۸). در عبارت دیگر از معصومین (علیهم السلام) آمده است که: «لو أنَّ الناسَ أدَّوا حقوقهم لکانوا عایشین بخیر: اگر مردم حقوق مالی خویش را پرداخت می‌نمودند، همگان از زندگی مناسب بهره‌مند می‌شدند» (همان، ص ۴۹۶).

بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در اسلام مانند خمس، زکات، انفاق‌های واجب، وقف، هبه و غیره و همچنین آموزه‌هایی مانند ایثار، انصاف، دگردوستی و مواسات، سازوکارهای توزیعی ثروت است که برای رسیدن به عدالت اقتصادی، اجتماعی و کاهش فقر و ثروت طراحی شده است؛ بنابراین ثروت‌های طبیعی در اسلام به همه تعلق دارد و هر کس می‌تواند با «کار» به سهم خویش برسد؛ ولی اسلام در خصوص افراد ناتوان از کار، خمس، زکات، فطریه، کفارات مالی، وقف و مانند آن را تعریف و طراحی کرده است: «وَأَوْثُومُ

مَنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ: مقداری از مال خداوند که به شما داده است به فقرا بدهید» (نور: ۱۳). اضافه تشبیهی «مال» به «الله» گویای اهمیت مال و دارایی از نگاه اسلام است.

با تفاسیر فوق وقتی از توسعه کوثری صحبت می‌شود منظور نه نوسازی و دگرگونی نهادهای اجتماعی است، نه گذار از سنت به تجدد و نه صرف رشد اقتصادی، حتی تعاریف مرتبط با توسعه انسانی نیز رسانندگی کافی برای انتقال این معنا را در خود ندارد. منظور از توسعه کوثری، افزایش برخورداری آحاد مختلف بشر از مکتب، ثروت، اطلاع و برقراری روابط عادلانه بر مبنای اراده انسانی در چارچوب عدالت و آزادی بناشده و مبتنی بر حقوق و حدود الهی و انسانی است. توسعه کوثری در غیریت با مفهوم تک‌خطی توسعه، تلاش می‌کند مفاهیمی را سامان دهد که بتواند زیربنای محکمی برای تحولات عینی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی باشد (میرعباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۱) و بدین طریق زمینه شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان، با استفاده بهینه از منابع گوناگون، امکان‌پذیر گردد و بستر مناسبی برای رشد همه‌جانبه افراد جامعه فراهم شود تا افراد بتوانند مسیر تکاملی شایسته خود را طی نمایند؛ همچنین تلاش دارد نیازهای رو به گسترش جامعه را با روش عقلانی تا حدی که امکان دارد، مطابق دستورهای الهی به شکلی همه‌جانبه برآورده سازد.

بدون تردید رسیدن به توازن اجتماعی و تقارن نسبی افراد جامعه در برخورداری از سطح زندگی شرافتمندانه یکی از اهداف توسعه کوثری است که با بهره‌وری از استعداد، مهارت، ابتکار و قابلیت‌هایی که خداوند به عنوان موهبت در نهاد بشر قرار داده است، به دست خواهد آمد؛ لذا بقای حیات انسان و جامعه در گرو بهره‌وری مطلوب از منابع اولیه، درآمدها، امکانات زیستی، مشاغل و فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی است که نباید با آشوب‌های اجتماعی مختل گردد. ثروت‌های طبیعی اسلام به همه تعلق دارد و هر فردی می‌تواند با تلاش و کوشش به سهم واقعی خویش دست بیابد. از این‌رو عدالت راستین که متضمن توسعه است، از همین مقوله مهم سرچشمه خواهد گرفت. عدالت‌محوری اساس حرکت است و تلاش برای توسعه‌یافتگی در تلاش برای بسط و تعمیق هرچه



بیشتر ادراک دین و اجرای آن از طریق عاملیت انسان‌ها خلاصه می‌شود (میرعباسی، ۱۳۹۳، ص ۹۳-۹۴).

### توسعه تکاثری (انباشت ثروت)

تکاثر در لغت به معنای آن است که جمعی در کثرت مال و اولاد و عزت بر یکدیگر مفاخره کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ص ۷۹۱). بر طبق آیه «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ» (تکاثر: ۱) انسان‌ها به افزون‌طلبی (و تفاخر) خود را مشغول می‌نمایند و از خدای تعالی و از سعادت واقعی خود بی‌خبر می‌مانند و از تبعات و آثار سوء خسران‌آور این سرگرمی غفلت می‌ورزند. خداوند در قرآن مخالف این امر است؛ چراکه آن را خلاف اصول بنیادی معاش می‌داند، به‌خصوص که به عنوان یک عامل ویرانگر در جهت خلاف رشد و فضیلت انسانی است و انسان را از دستیابی به اسمای حسنای الهی باز می‌دارد و گرفتار دوزخ و خشم او می‌گرداند. انسان به جای آنکه قوای عقلانی خود را تقویت کند و به جنبه الهی خود بپردازد، بر اساس جهل به جنبه مادی و غریزی خود توجه می‌کند و آن را تقویت و تحکیم می‌نماید (تکاثر: ۱-۷).

عامل دیگری که منجر به زیاده‌خواهی انسان‌ها می‌شود، احساس ضعف و حقارت از شکست‌هاست که افراد برای پوشاندن آن به تفاخر و تکاثرطلبی می‌پردازند. همچنین از دیگر عوامل، فریبندگی بیش از اندازه دنیا در نظر انسان است که منجر به فراموشی هدف و گرایش به تکاثرطلبی او می‌شود (حدید: ۲۰) تا با احتکار به انباشت سرمایه بپردازد؛ از این‌رو حساسگری و حساب‌خواهی را نادیده می‌گیرد و گرفتار و سرگرم دنیا می‌شود (کهف: ۳۲-۳۷). اگر انسان در دنیا حقوق نعمت‌هایی را که موجب تفاخرش می‌شود، ادا نکند، نعمت‌ها موجب شقاوت او خواهند شد و درباره آنها از وی سؤال خواهد شد (مراغی، ۱۹۸۵، ج ۳۰، ص ۲۳۲)؛ لذا قرآن آن را خلاف موازین اسلامی بر می‌شمارد و با تأکید کامل و نیز وعده آتش (همزه: ۱-۹)، مخالف اندوختن ثروت به معنای بی‌بهرگی دیگران است؛ چراکه آن را مانع بهرمندشدن کلیه افراد جامعه از حقوق طبیعی‌شان می‌داند.

شایان ذکر است که تکاثرطلبی منحصر به مالپرستان و زراندوزان نیست؛ بلکه می‌تواند به شئون مختلف عقیدتی (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۲۰، ص ۳۵۰)، سیاسی، علمی، اجتماعی و هرآنچه به دنیا، لذت‌ها و شهوات دنیایی ارتباط پیدا می‌کند (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۷، ص ۲۳)، راه یابد. این امر در هر شرایط ضد ارزشی و عاملی برای ویرانگری بنیاد انسانیت و معنویت محسوب می‌شود.

### بررسی نظریه‌های نوسازی<sup>۱</sup>

نظریه‌پردازان نوسازی به دلیل اینکه نظریه تکامل‌گرایی توانسته بود گذر اروپای غربی از جامعه سنتی به جامعه نو را تبیین کند، پذیرفتند که این نظریه می‌تواند به عنوان نماینده ایده‌های پیشرفت و ترقی غرب برای توصیف و تحلیل واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی کشورهای جهان سوم به کار رود (shamsul haque, 1999, pp.111-112). به اعتقاد این پژوهشگران رشد غنی شمال حاصل استثمار جنوب نیست، بلکه آمیختگی ارزش‌های فکری و فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان با تجدد عامل رشد پایدار در اقتصاد غرب بوده است؛ لذا نوسازی در قالب اروپایی را مستلزم حذف تدریجی روش‌های سنتی و مذهبی و نیز سازماندهی اجتماعی دانستند که باید از یک مرحله ابتدایی، ساده و سنتی آغاز نماید و حرکت خود را به یک مرحله پیچیده، مدرن و با ساختارهای متمایز و افتراق‌یافته به پایان برساند تا از این طریق گرایش به همگرایی در میان جوامع را به حداکثر برساند؛ چنان‌که «لوی» عنوان می‌کند هرچه زمان پیش می‌رود، آنها و ما به‌طور روزافزونی شبیه خواهیم شد. الگوهای نوسازی به‌گونه‌ای‌اند که هرچه جوامع نوگراتر شوند، بیشتر شبیه یکدیگر می‌شوند (wallerstein, 1982, NO 26).

به اعتقاد ویلبرت مور، نوسازی دگرگونی کامل جامعه سنتی یا ماقبل مدرن و پیوند آن به جهان مدرن است (moor, 1965, p.6)؛ فرایندی کاملاً نظام‌یافته با خصایص مختلفی که یک کل به‌هم‌پیوسته را تشکیل می‌دهد و به‌صورت

1. Modernizm.

دسته‌جمعی و نه به‌صورت منفرد ظاهر می‌شود (wallerstein, 1988, p.5). در واقع ماهیت نظام‌یافته و استحاله‌گر نوسازی، تغییر را در نظام اجتماعی درونی می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که وقوع تغییر در یک حوزه فعالیت، لزوماً تغییرات قابل مقایسه‌ای را در دیگر حوزه‌ها به‌دنبال داشته باشد (wallerstein, 1988, p.7). با تفاسیر فوق نظریه نوسازی عمدتاً مبتنی بر تضاد سنت و مدرنیته است. انگاره اصلی این نظریه آن است که توسعه بر حول محور ایستارها و ارزش‌ها می‌چرخد و جوامع سنتی را افرادی اداره می‌کنند که ذهنیت سنتی دارند؛ بنابراین برای پذیرش نوآوری آمادگی نخواهد داشت؛ درحالی‌که جوامع مدرن نیاز به ذهنیت مدرن و کسانی دارند که مشتاق فراگیری چیزهای نو و جدید می‌باشند.

اما تضاد میان سنت و مدرنیته چنان ناپروورده است که به لحاظ نظری اصلاً کارساز نیست؛ چون محتمل است منافع مادی روشنی در پس بعضی ایستارها و ارزش‌های سنتی قرار داشته باشد؛ همچنان که منافی در ورای بعضی از ارزش‌های مدرن قرار دارد. از سویی این نظریه گرایش به آن دارد تا نقشی را نادیده بگیرد که طبقه و سایر منافع در ارتقا یا بازدارندگی توسعه دارند (اسکیلر، ۱۳۷۶، ص ۴۸-۴۹). از این‌رو در میان آنها گذار از سنت و گرایش به مدرنیته در قالب تقلید و پیروی از برنامه‌های معین صورت گرفته است.

در این جوامع هر عاملی که باعث رشد و توسعه شود ممدوح است؛ حتی اگر منجر به شیء‌شدگی افراد در جامعه گردد، لذا تمامی عملکرد توسعه‌غربی با تبعیت از نظام فلسفی و ارزشی آنها بر اساس نیازهای مادی و با هدف تکاثرطلبی صورت می‌پذیرد. لازمه چنین توسعه‌ای، توسعه سیاسی و به عبارتی اتحاد سیاستمداران و سرمایه‌داران دنیاپرست است؛ لذا برای آنها ثروت و قدرت در دو سر یک مسئله قرار دارد؛ از این‌رو برای رسیدن به توسعه باید همدیگر را هدف قرار دهند.

در این جوامع به‌علت وابستگی حیات اقتصادی، هیچ‌گونه استقلال سیاسی، فرهنگی وجود ندارد. هدف اصلی در فعالیت‌های اقتصادی این جوامع به‌حداکثر رساندن سود و انباشت سرمایه است؛ لذا ماده‌محوری در تمام ابعاد



اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آنها نفوذ کرده و باعث کمیت اندیشه ماتریالیستی محض بر فرهنگ توسعه این جوامع شده است. طبیعی است با حاکمیت الگوها و فرهنگ‌های بیگانه میان فرهنگ‌های موجود در یک جامعه تعارضی حل‌نشده به وجود خواهد آمد؛ حتی اگر در مدیریت منابع انسانی، بحث از مکتب روابط انسانی باشد یا در اقتصاد مدیریت بحث از اصالت خدمت به جای اصالت سود مطرح گردد؛ تمام آنها ابزاری برای دستیابی به سود بیشتر است (خاکبان، ۱۳۷۵، ص ۶۹). در چنین شرایطی است که طراحی و بیان نظریه و الگوی توسعه کوثری ضرورت دوچندان می‌یابد.

### بررسی تطبیقی رویکرد توسعه کوثری و تکاثری

در غرب سرمایه‌داری رشد زود هنگام اقتصادی در نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای شمال، عامل مهمی در کاهش فقر و محرومیت انسانی بود. همین امر سبب شد تا در سال ۱۹۶۰ برنامه‌های اجرا شده در کشورهای پیشرفته، الگویی برای کشورهای در حال رشد (آزمون و خطا بر مبنای سود و لذت) قرار بگیرد؛ حال آنکه دیری نگذشت که باورها به تردید مبدل شد؛ چراکه کشورهای ثروتمند بین تورم و عقب‌گرد دست و پا می‌زدند؛ به‌گونه‌ای که با وجود دوران وفور، قادر به حل و هضم بیکاری و برطرف کردن فقر مطلق و غیره نبودند (اینیاسی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۳).

اقتصاددانان توسعه را صرفاً بر اساس تأمین نیازهای مادی بشر تعریف نموده‌اند که صرفاً بیانگر توسعه در جوامع غربی است؛ اما آموزه‌ها، فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی توسعه را جریانی می‌داند که در آن ابعاد گوناگون حیات فردی، اجتماعی، مادی و معنوی بشر که مشمول تمامی اعتقادات، افکار و باورها و رفتارهای آنهاست، مورد توجه قرار می‌گیرد و به صورتی منسجم و هماهنگ با هم، مناسب با اهداف تکاملی انسان از یک وضعیت نامطلوب و عقب‌مانده به وضعیت مطلوب و پیشرفته تغییر می‌یابد. این تغییر جهت با بهره‌گیری از قوه تعقل و تفکر، ایجاد نظام تربیتی و اجرای مقررات حقوقی مطابق مبانی اسلامی صورت‌پذیر است تا بتواند از خیر فراوانی که خداوند در قالب برکات آسمانی و

زمینی برای انسان خلق نموده است، بهره کافی ببرد؛ از این رو نوشتار حاضر عهده‌دار آن است که نحوه برخورد دو رویکرد توسعه را با توجه به اصول اعتقادی و معنوی، مادی و اقتصادی و تأثیر آن در اجتماع به صورت تطبیقی مقایسه نماید و در نهایت بهترین الگو را که همان الگوی توسعه کوثری است معرفی نماید؛ چراکه در آن افراد ضمن کار و تلاش در جامعه با اطاعت از دستوره‌ای الهی به انباشت و توزیع ثروت می‌پردازند؛ البته به گونه‌ای که ثروتمندان در آن خسران نبینند و افراد ناتوان و فقیر درمانده نگردند.

### شاخصه‌های غیرمادی توسعه کوثری و تکاثری

شاخصه‌های معنوی در توسعه کوثری از چندین مؤلفه اساسی برخوردارند: رعایت تقوا از سوی مسلمانان و بر پایه استقامت بر ایمان، داشتن توکل بر خداوند که در پرتو آن آزادگی و اعتماد به نفس به وجود می‌آید و نیز شکرگزاری نعمات الهی که رضایت خداوند را در پی دارد و مؤید نزول نعمت و فراوانی است، همچنین رعایت پرداخت خمس و زکات که باعث تعدیل ثروت می‌شود:

الف) پرداخت خمس از اصل سرمایه: گنج‌ها، زمین‌های خرید شده توسط زمین، اموال حلالی که با حرام مخلوط شده است، همچنین بهره تولیدی یا حاصل سرمایه‌گذاری و اموال و جواهری که توسط غواصی از دریا و سودهای بازرگانی حاصل می‌شود.

ب) پرداخت زکات از اصل سرمایه: انعام، گاو، گوسفند، شتر و نقدین، طلا، نقره و مال‌التجاره و بهره تولیدی یا حاصل سرمایه‌گذاری که شامل این موارد می‌شود: غلات، گندم، جو، کشمش، خرما و معادن و همچنین جواهر به دست آمده از غواصی دریا.

به علاوه انفاق که خود منجر به دفع خطر روانی و اجتماعی می‌شود؛ ضمن حذف اسراف و تبذیر در راستای بهره‌وری مشروع از نعمت الهی موجب فراهم‌سازی شرایط توسعه مطلوب در جامعه می‌شود. در این نوع توسعه افراد برای کسب مال در پی به دست آوردن قرب الهی‌اند. دین اسلام همان‌طور که

کسب مال را می‌پذیرد، با توزیع عادلانه آن توسط مؤلفه‌هایی چون خمس، زکات، انفاق و غیره موافق است.

حال آنکه در توسعه تکاثری، معنویت به‌گونه‌ای دیگر معنا می‌شود؛ به این معنا که اولاً درحقیقت ماده‌محور است و هدف نهایی در آن، ایجاد شرایط مناسب برای ارضای هر چه بیشتر غرایز و شهوات می‌باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۴۸)؛ بنابراین دنیاپرستی بر محور رفاه و لذت‌جویی مادی است. ثانیاً برخی پژوهشگران که حوزه مطالعاتشان دین و توسعه است، بر این باورند که تقریباً بدون استثنا همه جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان اجتماعی غرب از زاویه جامعه‌شناسی به دین پرداخته‌اند؛ ولی هیچ‌کدام نه‌تنها نظریه‌پردازی اجتماعی و توسعه را در خدمت دین و در راستای اهداف متعالی الهی نمی‌دانند، بلکه بر خلاف آن دین و مذهب را مانع جدی توسعه و آن را باعث انحلال روند توسعه می‌دانند (همان، ص ۱۲۲). بر همین اساس به حذف ارزش‌های مذهب پرداخته‌اند که سرچشمه آن نشئت گرفته از عدم احساس مسئولیت، قانون‌شکنی و فراموشی ارزش‌های اخلاقی است که درنهایت منجر به وابستگی به بیگانگان و پذیرش ذلت و بردگی می‌شود. ثالثاً با حذف سنت، ایجاد عقلانیت ابزاری، علم‌گرایی و اکتساب تلاش می‌کنند اقتصاد را از قید و بند سنت رها کنند تا آن را در دست نیروهای محرک عقلانی قرار بدهند. درواقع از یک کل یگانه اطاعت می‌کنند؛ کل یگانه‌ای که از مؤسسه بازرگانی یا صاحبان سرمایه تشکیل شده است. درواقع هدف در توسعه تکاثری کسب سود و لذت مادی، در جهت حفظ منافع صاحبان سرمایه و نه رضای خدای متعال است؛ ازاین‌رو توسعه بر مبنای تفکیک ماده از معنا و دنیا از آخرت صورت می‌پذیرد (میرعباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳-۱۴۲)؛ حال آنکه در توسعه کوثری، کسب آخرت مطلوب با هدف قرب الهی و تکامل اخلاقیات مد نظر است؛ درواقع توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بعد مادی و معنوی به منظور سلامت دنیا و آخرت معنا می‌شود.

## شاخصه‌های مادی توسعه کوثری و تکاثری

### نگرش به نظام اقتصادی

نظام اقتصادی در توسعه کوثری ریشه در وحیانیت مبتنی بر تفکر اسلامی دارد که برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی در پی رفاه مطلوب است تا در مسیر قرب الهی به دور از گرایش‌های نفسانی آن را بارور نماید؛ همان‌طور که خداوند در سوره مائده در آیات ۵ و ۱۵ و ۱۶ می‌فرماید. وحی انسان را به حقایق عالم هستی، آگاه و راه‌رستگاری را برای او روشن می‌سازد؛ حال آنکه در توسعه تکاثری ظهور پاداش برای نوآوری عاملی اساسی در رشد و پیشرفت به شمار می‌رود که مستلزم تحمل نابرابری‌ها ناشی از منافع خصوصی است تا بخش خصوصی بتواند خود را برای نوآوری و خلاقیت ذهنی آماده بسازد و این از ارزش‌های والای اجتماعی محسوب می‌شود. تصمیم‌گیری در این راستا باید از طریق ترتیبات بازار رقابتی و تشویق تفکرات نو و جدید، همچنین رکود و پایان ناکارآمدی‌ها صورت پذیرد.

### عقلانیت

انسان عقلایی از دیدگاه سرمایه‌داری کلاسیک، کسی است که به فکر منافع شخصی خود باشد و برای به‌حداکثر رساندن آن تلاش نماید؛ آزادی اقتصادی بر این اساس است که نفع شخصی، تأمین‌کننده منافع جمع است؛ به تعبیر آنان انسان اقتصادی است؛ ولیکن در نظر اقتصاددانان مکتب تاریخی، انسان اقتصادی فردی است که رفتار وی نمونه‌ای از اعمال جامعه او باشد و این فرد عمل نامعقول انجام نمی‌دهد (فرهنگ، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۱۵). عقلانیت از نظر ماکس وبر به صورت ذیل است:

الف) عقلانیت در جامعه توسط سه عنصر سرمایه‌گذاری (حسابداری و برنامه‌منظم و بهره‌فنی از دانش)، دولت (با سیستم مالیاتی متمرکز و ارتش منظم با فرماندهی واحد، حکومت قانون، مدیران متخصص) و قانون شکل می‌گیرد.

ب) عقلانیت در فرهنگ که ساختار وجدان جوامع مدرن از آن ناشی می‌شود و تمام عناصر معرفتی، بیانی، هنری و اخلاقی - ارزشی و سنت مذهبی را در بر دارد.

ج) عقلانیت در شخصیت فردی، عقلانیت فرهنگی در سطح نظام شخصی با رفتارهای مبتنی بر اصول (بهمن پور، ۱۳۷۹، ص ۳۸-۴۲).

از این رو رفتار عقلانی از دیدگاه سرمایه‌داری، رفتاری مبتنی بر اهداف عقلانی نیست؛ بلکه رفتاری است که برای رسیدن به حداکثرسازی سود و لذت طراحی شده است. بنابراین از میان سه حوزه بیان شده فقط به مورد سوم توجه دارد؛ همین امر باعث شده تا در تفسیر جهان و حیات، ناقص و ناتوان باشد.

### عقلانیت مقبول آموزه‌های اسلامی

الف) عقلانیت در مقیاس کلی (شناخت فلسفه حیات، موقعیت حساس و استثنایی انسان در آن، اهمیت نقش عقل در تنظیم رابطه انسان با جهان و آفریدگار)؛  
 ب) عقلانیت و ارزش‌ها (شأن عقل در تنظیم رابطه انسان و معماری اخلاقیات)؛  
 ج) عقلانیت ابزاری (مهندسی و اندازه‌گیری، نظم و پیش‌بینی و نقش عقل در محاسبات جهت کسب رشد اقتصادی و رفاه و آبادانی).

اختلاف در تعریف عقلانیت انسان در هر دو رویکرد، در این است که زیربنای تنظیم اصول و روش‌های اقتصادی غرب بر اساس انگیزه مادی است؛ از این رو رشد و رفاه انسان هدف اصلی است؛ اما در اسلام، رشد و رفاه اجتماعی وسیله‌ای است برای آزادسازی انسان از قید و بند مادی‌گرایی و طبیعت، همچنین سعی دارد نفع و مطلوبیت خود را در زمینه معنویت و آخرت به حداکثر برساند.

### سرمایه‌گذاری

خداوند آبادسازی زمین را به صورت مسئولیت بر عهده انسان قرار داده است؛ طبیعی است که پیش‌شرط انجام آن مستلزم سرمایه‌گذاری‌های لازم در تمامی ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اجتماعی می‌باشد؛ البته اگر تأمین نیازهای اساسی و حیات عمومی تمامی مردم صورت نپذیرد، دولت نمی‌تواند بابت منابع دیگری سرمایه‌گذاری نماید. حال آنکه در توسعه تکاثری، فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری منوط به سازوکار قیمت‌ها بر اساس قانون عرضه و تقاضا و کسب افزایش سود است که بر اساس قدرت خرید اکثریت افراد جامعه است (صدر، ۱۳۷۸، ص ۶۵۳-۶۵۴).



## هدف تولید

خداوند متعال نه تنها رزق و روزی انسان، بلکه روزی همه موجودات را تضمین نموده است؛ بنابراین منابع طبیعی برای رفع نیازهای مادی بشر کفایت لازم را دارد و طبیعت در تأمین روزی انسان محدودیت ندارد. خداوند با نعمت‌های فراوانی که در اختیار انسان قرار داده است، انسان را در قدرت جسم و تفکر توانا ساخته تا از طریق کار و تلاش به کسب روزی حلال بپردازد و با استفاده از عوامل تولید و منابع اولیه‌ای که در اختیار دارد، در فرایند تولید مشارکت نماید؛ لذا در توسعه کوفی، هدف تولید در راستای جهت‌دار بودن و کسب سود و تأمین نیازهای افراد جامعه، توأم با رفاه عمومی به صورت جهت‌دار برای رسیدن به مکارم اخلاق و کمالات انسانی در جهت قرب الهی است (همان، ص ۴۳۸). از سویی دیگر در خصوص تأمین نیازهای اساسی و حیاتی به حذف اسراف و تولید مازاد و همچنین تضمین حداقل و تعیین حداکثر تولید کالاهای ضروری می‌پردازد. به‌همین منظور نظام اسلامی در تلاش است میزان، نوع کالا و خدمات را کنترل نماید. برای این منظور به تشویق افراد به قناعت و کم‌مصرفی می‌پردازد. از این رو همین امر موجب تداوم حیات اقتصادی توأم با عزت و استقلال می‌شود که نتیجه آن حفظ توازن و تعادل اجتماعی و اقتصادی است.

در توسعه تکاثری، هدف اصلی تولید، حداکثرسازی سود است؛ بنابراین کالاهایی تولید می‌شود که برای آن تقاضا وجود دارد و قیمت بیشتری بابت آن پرداخت می‌شود؛ حتی اگر این کالا باعث فساد اجتماعی و تخریب محیط زیست یا نابودی افراد بی‌گناه شود. در واقع در غرب رفتاری مبتنی بر آزمندی و دنیاپرستی حاکم است و این موجب وابستگی حیات اقتصادی آن و سلطه بیگانگان می‌شود؛ بنابراین استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از آنان سلب می‌شود (میرعباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹).

## افزایش تولید

افزایش تولید و بهره‌برداری حداکثری از طبیعت در چارچوب مقررات عمومی نظام اقتصادی، مورد اتفاق نظر هر دو نظام اقتصادی اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری است؛ اما تفاوت آنها در شیوه و روش‌های انتخابی آنها می‌باشد. در توسعه کثرتی، شیوه‌هایی که با نظریه توزیع و عدالت‌خواهی منافات داشته باشد طرد شده است. بنابراین دین اسلام برای افزایش مطلوب تولید، تمام امکانات و شرایط لازم را برای بهره‌برداری کامل از طبیعت که خداوند آفریده، در نظر گرفته است؛ برخی در فرهنگ و فکر انسان ریشه دارد و برخی دارای جنبه حقوقی است (همان، ص ۱۵۱). ولیکن در توسعه تکاثری از آنجاکه هدف کثرت در مال است، روش‌هایی که با آزادی کامل اقتصادی منافات داشته باشد، پذیرفتنی نخواهد بود.

## توزیع ثروت

در توسعه کثرتی، مسئله اصلی انسان پاسخگویی کامل و معقول به نیازهای افراد است تا آنجا که شأن و منزلت فرد دیگران حفظ شود. این امر با برقراری عدالت در توزیع درآمد و ثروت امکان‌پذیر است؛ چراکه عدالت باعث ایجاد آبادی، استغنا و بی‌نیازی مردم و عامل احیای احکام الهی و بهره‌گیری معقول از خیر فراوانی که خداوند به بشر عنایت نموده است، خواهد شد. لذا مطابق قوانین اقتصاد اسلامی فرد تولیدکننده، صاحب اصلی ثروت حاصله از کار روی مواد طبیعی است و عدالت در توزیع را می‌پذیرد. البته بر اساس برخی الگوها بین توسعه و عدالت در توزیع تعارض به وجود می‌آید؛ اما با استفاده از مفاهیم قرآنی و روایات معصومین هیچ‌گونه تعارضی میان آن دو وجود ندارد؛ چراکه از نظر اسلام با قراردادن عدالت به عنوان یک اصل می‌توان به توسعه رسید؛ از این رو اهداف ذیل مورد توجه قرار می‌گیرد:

الف) رفع فقر و محرومیت به صورت مطلق؛

ب) برقراری عدالت و ایجاد تعادل؛

ج) تربیت نیروهای نوآور و متعهد؛

د) رشد و تعالی معنوی جامعه.

ولیکن در توسعه تکاثری از آنجاکه هدف اصلی انباشت سرمایه و ثروت است، عدالت از مفهوم توسعه گسسته می‌شود و ابزار مادی تولید با کار انسانی یکسان می‌گردد؛ در نتیجه منجر به عدم عدالت و احساس مسئولیت نسبت به دیگران، خودخواهی (اضاله‌الفرد) و همچنین کسب منافع شخصی و غیره خواهد شد.

### جذب سرمایه فیزیکی

در توسعه کوثری، نیروهای انسانی ارزش بالایی دارند. نظام سیاسی و اجتماعی آن به گونه‌ای سامان یافته که حداکثر استفاده از این نیروها در جهت رشد مادی و معنوی جامعه حاصل گردد؛ اما در توسعه تکاثری، گسترش توانایی انسانی با انباشت سرمایه فیزیکی مغایر است و با آن هماهنگی ندارد (میر، ۱۳۷۸، ص ۶۱۸).

### الگوی مصرف

سطح مصرف در توسعه کوثری، اعتدال است؛ نقطه‌ای میان حداقل و حداکثر مجاز مصرف؛ به عبارت دیگر بالاتر از سطح ضرورت و پایین‌تر از حد تجمل و منطبق با رفاه جامعه و معیشت عموم مردم می‌باشد؛ لذا به دیگرخواهی و رسیدن به حال محرومان از طریق الگوی انفاق، احسان، صلح رحم، قرض‌الحسنه، مواسات، ایثار و تعاون و همیاری دعوت می‌کند.

حال آنکه در توسعه تکاثری، آنچه مد نظر است بی‌اهمیتی به تقارب سطوح مصرف افراد جامعه است؛ چراکه در این نظام، بهترین فعالیت توزیع رفاه اجتماعی بر اساس بهینه پاره‌تو صورت می‌پذیرد، «برخی انسان‌ها در فقر کامل و برخی در تجملات زنگی می‌کنند»، آن‌گونه که وضع فقرا بهبودی پیدا نکند، مگر اینکه به تجمل اغنیا دست زده شود (سن، ۱۳۷۷، ص ۲۶).

### اشتراک و افتراق رویکرد کوثری و تکاثری

بیان شاخصه‌ها و مؤلفه‌های توسعه کوثری و توسعه در سطور پیشین مبین‌گریت این دو رویکرد با یکدیگر است، هرچند اشتراکاتی نیز هست. در ذیل به اشتراکات و افتراقات دو رویکرد با توجه به مباحث پیشین پرداخته می‌شود.

## اشتراکات

۱. عقلانیت و تنظیم اصول و روش اقتصادی؛
  ۲. سرمایه‌گذاری و مطلوبیت مادی به معنای «مطلوبیت عرضه و تقاضا»؛
  ۳. میزان تولید و اشتغال در جامعه؛
  ۴. رشد اقتصادی توأم با رفاه دنیوی؛
  ۵. انباشت ثروت و حداکثرسازی سود؛
  ۶. برقراری نظم در ایجاد زمینه‌های ضروری برای توسعه به‌ویژه در زمینه اقتصادی؛
  ۷. پیشرفت علمی و آمادگی انسان برای پذیرش تجربیات جدید و استعداد وی برای ابداع و تغییر.
- اسلام مغایرتی با تأمین رفاه دنیوی و کسب سود حلال و رسیدن به وضعیت مطلوب ندارد؛ اما با همه اشتراک‌های مزبور در روش اجرایی، توسعه تکاثری متفاوت است؛ چراکه اسلام به نصوص دینی و حکمت‌های عملی و نظری به عنوان یک اهرم برای حفظ تعادل و توازن اجتماعی و درواقع به اصول اعتقادی و معنوی توجه دارد.
- اسلام برای حفظ صحیح این موارد می‌تواند از توسعه غربی طبق عقلانیت اسلامی به صورت گزینشی و نه التقاطی بهره‌برداری کند تا هم لذت دنیوی و هم لذت اخروی ممکن شود.

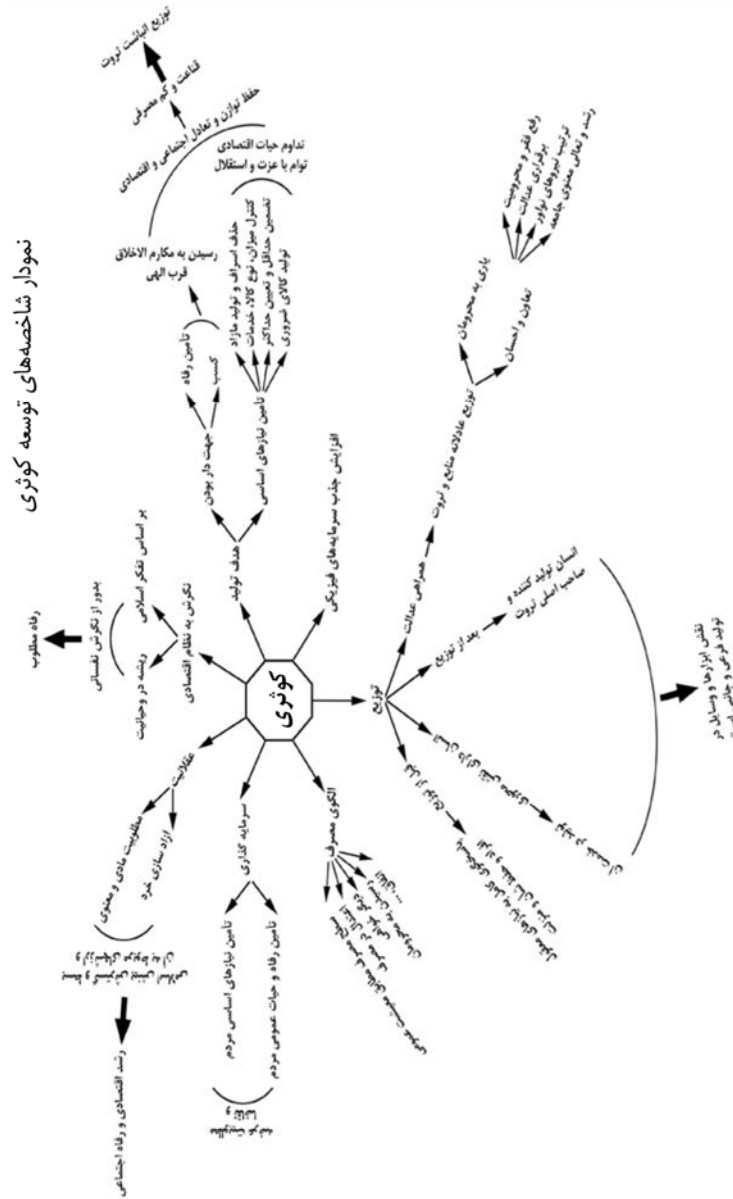
## افتراق‌ها

### الف) کوثری

۱. در وحیانی‌بودن و تفکر اسلامی ریشه دارد و به معنای «کلی و ارزش‌مدار» است؛
۲. آزادسازی خرد از قید و بند مادی‌گرایی و طبیعت به معنای «توجه به اصول اعتقادی و معنوی»؛
۳. سرمایه‌گذاری منوط به تأمین رفاه و حیات مادی و نیازهای اساسی مردم؛
۴. توزیع و انباشت ثروت به منظور حفظ توازن و تعادل اجتماعی، اقتصادی؛

۵. رسیدن به مکارم اخلاقی و قرب الهی؛
۶. تداوم حیات اقتصادی توأم با عزت و استقلال؛
۷. توزیع همراه با پاسخگویی کامل و معقول به نیازهای افراد برای مطلوبیت دنیا و آخرت؛
۸. انسان‌محور بودن «به معنای فرعی و جانبی بودن ابزارها و وسایل در تولید»؛
۹. توزیع عادلانه منابع تولید و ثروت به منظور اعتدال در مصرف، دگرخواهی، رسیدن به حال محرومان؛
۱۰. توجه به سطح مصرف و رفاه جامعه مطابق با معیشت عموم مردم؛
۱۱. توجه به عقلانیت انسان به منظور اقتصاد مطلوب؛
۱۲. پرهیز از تقلید و جمود فکری و پذیرش استدلال «به معنای تعقل و تفکر با جهت‌گیری درونی و گاهی گزینشی»؛
۱۳. برابری همه افراد و گروه‌ها به معنای «مساوات و برابری»؛
۱۴. رعایت نظم به منظور حفظ حرمت اسراف، اتلاف در منابع، مسئولیت‌پذیری انسان، عبادات در زمان مقرر، توجه به تعالی و رشد، پذیرش تقدیر؛
۱۵. عدم تعارض فرهنگی با هم؛
۱۶. فقرزدایی و کاهش شکاف درآمدی، کاهش نظام طبقاتی به علت احساس وظیفه، تعهد و مسئولیت و نوع‌دوستی؛
۱۷. عدالت اجتماعی توأم با برابری طبقاتی و عدالت اقتصادی به معنای تساوی امکانات؛
۱۸. ایجاد رفاه عمومی؛
۱۹. پرهیز از افراط در تجددگرایی و جلوگیری از شیء‌شدگی انسان؛
۲۰. اتکا به نفس و ارزش‌مداری انسان‌ها در پرتو معنویت، وجدان اخلاقی و رهایی از حقارت و خودکم‌بینی؛
۲۱. پایداری خانواده و استحکام روابط عاطفی؛
۲۲. عزت و اقتدار جامعه اسلامی؛
۲۳. کاهش هزینه‌های اجتماعی، حذف اسراف و تبذیر؛
۲۴. متعالی‌شدن و الهی‌گونه‌شدن انسان‌ها؛

۲۵. ارائه الگوی مناسب با فرهنگ و توانایی اقلیمی و طبیعی و تاریخی به معنای ارائه الگویی هماهنگ با مفاهیم اسلامی.







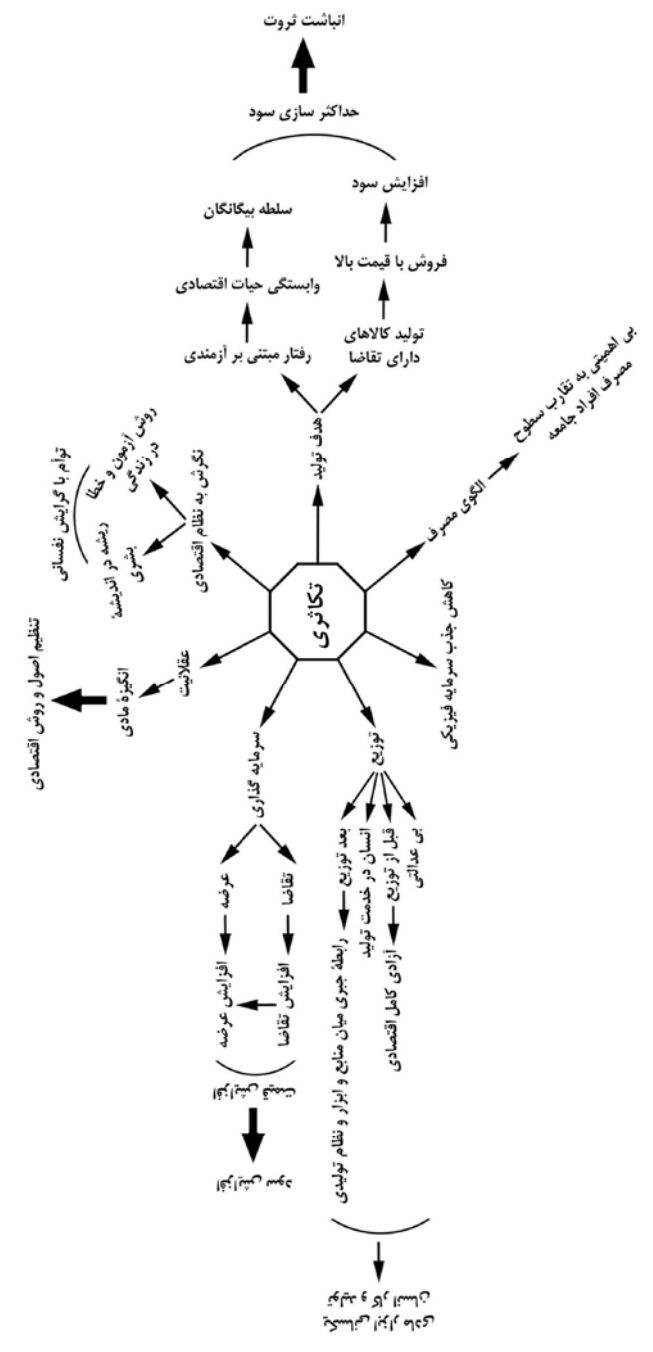
## ب) تکاثری

۱. ریشه در اندیشه بشری و استفاده از روش آزمون و خطا دارد، «نژادپرستی و نابودی ارزش‌های سنتی»؛
۲. تنظیم اصول و روش اقتصادی با اندیشه مادی به معنای معیشت‌محور و لذت‌گرا بودن و به عبارت دیگر، بهره‌گیری از عقل ابزاری؛
۳. سرمایه‌گذاری بر اساس چرخه سود حاصله، مطابق عرضه و تقاضا به معنای رقابت آزاد؛
۴. حداکثرسازی سود و انباشت ثروت؛
۵. رفتاری مبتنی بر آزمندی و دنیاپرستی به معنای تفکیک ماده از معنا و دنیا از آخرت؛
۶. وابستگی حیات اقتصادی و عدم استقلال سیاسی و فرهنگی، توأم با لذت و بردگی؛
۷. توزیع مناسب با آزادی کامل اقتصادی و مطلوبیت دنیا؛
۸. انسان در خدمت تولید به معنای یکسانی ابزار مادی تولید و کار انسان؛
۹. گسستگی عدالت‌ها در مصرف، خودخواهی و بی‌توجهی به محرومان برخاسته از رعایت قانون پاره‌تو به معنای فقر مطلق عده‌ای و ثروت مطلق عده‌ای دیگر؛
۱۰. بی‌توجهی به تقارب سطوح مصرف افراد جامعه؛
۱۱. تعیین هدف، صرفاً منوط به امیال و هنجارهای شخصی است، محدود دانستن عقل انسان؛
۱۲. پذیرش الگوهای تقلیدی و پیروی از الگوی آزمون و خطا، اعتقاد به برتری غرب و وابستگی به آنها؛
۱۳. طبقه‌بندی افراد بر اساس نژاد و خون؛
۱۴. رعایت نظم برای حفظ توسعه اقتصادی و صرفاً رفع بی‌برنامگی؛
۱۵. تعارض با دیگر فرهنگ‌ها؛



۱۶. فقر و عدم تعهد از نظر اقتصادی و شکاف درآمدی، ایجاد نظام کاستی و طبقاتی از نظر اجتماعی، ازدست‌دادن ارزش‌هایی چون احساس وظیفه، تعهد، مسئولیت و نوع‌دوستی؛
۱۷. نابودی انسان‌ها به دلیل مرگ نشئت‌گرفته از مستولی شدن فقر در جامعه (اخترشهر، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲)؛
۱۸. خودفراموشی و سردرگمی به علت معیارقرارگرفتن برای توسعه (بی‌هندی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۲)؛
۱۹. از خودبیگانگی و شیء‌شدگی روابط انسان‌ها؛
۲۰. کنارگذاشتن همه ارزش‌های والای انسانی و رهایی از معنویت «فطرت پاک» و وجدان اخلاقی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰)؛
۲۱. نابودی خانواده‌ها، تحلیل روابط عاطفی (اخترشهر، ۱۳۸۶، ص ۲۳)؛
۲۲. بی‌حرمتی و تجاوز (همان)، توأم با ضعف و زبونی؛
۲۳. افزایش هزینه‌های اجتماعی، گرایش به اسراف و تبذیر؛
۲۴. تنوع‌گرایی و لذت‌طلبی و نسبی‌گرایی اخلاق؛
۲۵. ارائه الگوهای نامناسب نسبت به فرهنگ، توانایی اقلیمی و طبیعی و تاریخی؛
۲۶. محدودشدن آزادی و برابری توسط دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های چند ملیتی.

نمودار شاخصه‌های توسعه تکاثری



## نتیجه

توسعه در اصل فرایندی اجتماعی است که مبتنی بر عقلانیت و عمل می‌باشد. در این صورت، جامعه از وضعیت نامطلوب و غیرعقلانی به سمت جامعه‌ای مطلوب و عقلانی حرکت می‌کند. این فرایند در نوسازی قدیم، بر اساس برنامه‌ریزی‌های خاص و الگوهای معین بر کلیه افراد جامعه به صورت تدریجی همراه با تحول در ساختار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی واقع شد که حاصل آن چیزی جز انباشت سرمایه و افزایش روزافزون درآمدهای سرانه و رفاه مادی نبود. البته ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این کشورها مثل عدالت، انسانیت و ارزش‌های متعالی با تحولات به‌وجودآمده همخوانی نداشت.

بنابراین در توسعه تکاثری، اساس تفکر و عقلانیت حاکمیت اندیشه ماتریالیستی است؛ از این رو برای رسیدن به سود بیشتر، رشد جایگزین تعالی، ماده‌محوری به جای معنویت و امر قدسی به امر عرفی مبدل گردیده است؛ لذا همین امر موجب گسسته‌شدن و تفکیک ماده از معنا و دنیا از آخرت می‌شود. در این نگرش لازمه رسیدن به توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی است. در این توسعه، ثروت و قدرت در دو سر یک مسئله قرار دارد؛ از این رو برای رسیدن به توسعه همدیگر را هدف قرار می‌دهند؛ یعنی گاه توسعه اقتصادی و انباشت ثروت برای توسعه سیاسی لازم است و گاه برعکس عمل می‌نماید. بنابراین هر عاملی که باعث رشد و توسعه اقتصادی در جامعه شود، مد نظر است.

توسعه اقتصادی در رویکرد نوسازی غربی به انباشت (تکاثر) و افزایش سرمایه اهمیت فراوانی می‌دهد و هیچ‌گونه توجهی به توزیع آنچه اندوخته است ندارد؛ در واقع نگاه آن به توسعه تک‌خطی است؛ از این رو برای رسیدن به این هدف هر راهی را ممدوح می‌داند. حال آنکه توسعه اقتصادی در رویکرد کوثری، انباشت ثروت، همچنین در ابعاد دیگر مانند علم را فقط در مسیر معنویت با ارزش می‌شمارد؛ هر گونه ثروتی بر خلاف دیدگاه آن، باعث به‌وجودآمدن مشکلاتی برای جامعه است.



تعالی انسان در دین اسلام هسته مرکزی مفاهیمی است که اساس تفکر و عقلانیت اسلامی و شاکله حسی و رفتاری فرد مسلمان را تشکیل می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که تعالی در مقابل توسعه مادی قرار می‌گیرد. در واقع توسعه، مترادف با تکامل معنا می‌شود که در این باب به ماده و معنا یا به عبارت دیگر به دنیا و آخرت توجه دارد، لذا در این راه تقرب به ذهن انسان کامل را در نظر می‌گیرد؛ انسانی که تمام نیازهای مادی و معنوی آن مؤثر و متأثر از اعتدال است؛ این انسان در رفع نیازهای مادی خود افراط نمی‌کند، اسراف و تبذیر را نمی‌پذیرد.

در توسعه اسلامی - کوثری، کسب قدرت و ثروت در مسیر سلامت انسان‌ها به سوی حیات دنیوی و اخروی از بعد معنوی و مادی در حرکت است. در این نوع توسعه عدالت و حقیقت، مطلوب نظر است. می‌توان گفت اسلام هرگز مانع توسعه نیست؛ بلکه توسعه را در سایه توزیع و انباشت ثروت می‌پذیرد. در عین پذیرش انباشت و توزیع ثروت، در مصرف معتدل است و از طریق انفاق، احسان، قرض‌الحسنه، مواسات، ایثار، تعاون و همیاری به‌گونه‌ای عمل می‌نماید که افراد ناتوان بتوانند از مواهب خداوند بهره کافی ببرند. در توسعه کوثری نه ثروتمندان خسران می‌بینند و نه ناتوانان درمانده می‌مانند؛ چراکه انباشت و توزیع به‌طور موازی در جامعه اجرا می‌شود. بنابراین توسعه اقتصادی در رویکرد کوثری الزاماً متضمن توسعه اجتماعی و ترقی همه‌جانبه جامعه به عنوان یک مجموعه پویا و پایدار می‌باشد.

## کتابنامه

قرآن کریم.

- اسکیلر، دادلی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی نظام جهانی*، ترجمه علی‌هاشمی گیلانش، چ ۱، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اینیاسی، ژاکس (۱۳۸۲)، *بوم‌شناسی و فلسفه توسعه*، ترجمه سید حمید نوحی، به نقل از ناصر جهانیان، اهداف توسعه با نگرش سیستمی، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه.
- بهمن‌پور، محمد سعید (۱۳۷۹)، *فراز و نشیب عقلانیت*، تهران: انتشارات نوادر.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰)، *پدیده‌شناسی فقر و توسعه*، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان قم: بوستان کتاب.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹)، *مجموعه مقالات هندسه توسعه و تعالی*، قم: دفتر فرهنگستان علوم اسلامی.
- چیرا، محمد عمر (۱۳۸۴)، *اسلام و چالش اقتصادی*، ترجمه میرمعزی، هادوی‌نیا، یوسفی و جهانیان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خاکبان، سلیمان (۱۳۷۵)، *درآمدی بر اسلام، توسعه و ایران*، چ ۱، قم: انتشارات حضور.
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال (۱۳۸۴)، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف*، ج ۴، بیروت: دارالکتب العربی.
- ساعی، احمد (۱۳۹۱)، *توسعه در مکاتب متعارض*، چ ۵، تهران: نشر قومس.
- سن، آمارتیا (۱۳۷۷)، *اخلاق و اقتصاد*، ترجمه حسن فشارکی، تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه.
- صدر، محمدباقر (۱۳۷۵)، *اقتصادنا*، قم: مکتب‌الاعلام‌الاسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۶)، *تفسیرالمیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چ ۲۰، چ ۳، تهران: دارالکتب‌الاسلامی.
- علامه مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، *بحارالانوار*، ج ۷۷، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۸۶)، *فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی*، چ ۲، تهران: نشر آسیم.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، ج ۳، چ ۴، بیروت: دارالکتب‌الاسلامیه.
- مراغی، احمدمصطفی (۱۹۸۵م)، *تفسیر المرائی*، ج ۳۰، بیروت: دارالفکر.
- میر، جرالد (۱۳۷۸)، *مباحث اساسی اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد(ارمکی)، تهران: نشر نی.
- میرعباسی، فاطمه (۱۳۹۰)، *بررسی و مقایسه توزیع ثروت و یا انباشت ثروت*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.
- میرعباسی، فاطمه (۱۳۹۳)، *دیباچه‌ای بر توسعه کوثری و توسعه تکاثری* (بررسی و مقایسه توزیع ثروت و یا انباشت ثروت)، قم: آثار دانشوران.
- ی سو، آوین (۱۳۸۸)، *تغییر اجتماعی و توسعه*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.



## مدخلية على الرشد والتوسعة الكوثرية والتوسعة التكاثرية (دراسة الإتجاهين الإسلامى والإتجاه الجديد القديم)

على شيرخانى<sup>١</sup>  
فاطمه ميرعباسى<sup>٢</sup>

الخلاصة:

ومع إن التوسعة والنمو والتطور والحدائة والتجديد هى من الأمور والقضايا التى عاصرة البشر ورافقتة منذ ان وجد وعاش على الكرة الأرضية، ولكن لم تسلط عليها البحوث النظرية والمواضيع المتعلقة بها الأضواء إلا بعد الإنتهاء من الحرب العالمية الثانية حيث جرى التطرق إليها فى العالم الغربى، وأضحت مورداً للإهتمام الباحثين والمنظرين، ولكن هناك أمر لابد من الإشارة إليه فى هذا الخصوص وهو إن هناك إبهام وغموض ساد بين العلاقة ومقارنة هذه البحوث مع ما جاء من تعاليم دينية خاصة فى التعاليم الشيعية، بالطبع فإن هناك مواضيع ومطالب قد تم تأليفها وكتابتها حول ذلك بعد إنتصار الثورة الإسلامية المباركة ولكن تبقى غير كافية ولم تستوعب المطلوب، ومن هنا فإننا أمام سؤال يطرح نفسه هل ياترى إن التعاليم الدينية لها نظرية حول عملية التوسعة والرشد؟ وما هى أوجه الأختلاف بينها وبين النظريات الغربية وكذلك أوجه التشابه؟ وكما يبدو فإن أساس التوسعة التى عملت به النظريات القديمة الحديثة التى تركزت قاعدتها على أساس ونظرية تقابل الكلاسيكية والحدائة هى تكديس الثروة ( التكاثر ) والأصل الأول فيها هو عدم الأكتراث والإهتمام بالعدالة والتكافل الإجتماعى ولكن الروى والنظريات الإسلامية الشيعية أنضجت وأعمدت اساس قاعدة توزيع الثروة (الكوثر ) وتأكيدها المطلق على استغلال الثروة وسريانها والعمل بكل الإمكانيات المتاحة من أجل رشدها ونموها وتوزيعها بشكلها الصحيح، وتسعى هذه المقالة الى دراسة المقارنة التطبيقية بين الإتجاهين وهما التوسعة الكوثرية والتوسعة التكاثرية وذلك عن طريق الأستفادة من الأسلوب المقارن، فكانت المقارنة تجرى حول نمطية قدوة التوسعة الكوثرية التى تتمحور حول القيم والمثل الإلهية فى قبال قدوة التوسعة والنمو الغربى الذى اساسه كشف الطبيعة وبالتالي السيطرة عليها وأصل محورية المادة.

المصطلحات المحورية: الحدائة، التوسعة، التطور، التكديس، التوزيع، العدالة، الثروة، الكوثر، التكاثر.

١. معيل فى الجامعة الإسلامية الحرة - قم المقدسة.

٢. طالب فى مرحلة الدكتوراه فى الجامعة الحرة قسم العلوم والتحقيقات - طهران.

## **A History of Distributional Development and Accumulative Development (A Study on Two Approaches toward Development: Islamic and Modernization of the Old)**

Ali Shirkhani<sup>1</sup>

FatemehMirabbasi<sup>2</sup>

### **Abstract**

Development and modernization have a history as long as the human history; however, the relevant theoretical discussions and theorizations formed mostly after world war the second. Just the same, the relationship and association of these issues with the religious instructions, particularly the Shiite ones, have remained ambiguous. Of course, some suggestions have been presented after the Islamic revolution in this regard; however, they are not enough. Therefore, the questions which still remain to be answered are whether there are any views concerning the issue of the theoretical development; and how they differ from the western views. It seems that the development model based on the previous modernization theories, which believed in the principle of the contrast between the traditionalism and modernism, are based on accumulation of wealth, and the first principle to be considered for them is negligence toward justice. However, the Shiite Islamic approach relies on distribution of the wealth and it emphasizes on the flow of the wealth, growth and development. The present article is the report of a comparative study of two development approaches, i.e. distributional and accumulative. The distributional model is based on the divine-Islamic values; however, the western development model is based on discovering the nature in order to manipulate it, and it is a materialist approach.

**Keywords:** modernization, development, improvement, accumulation, distribution, justice, wealth, multiplication, abundance

---

1. Associate professor, Islamic Azad University, Qom Branch.

2. Ph.D. candidate, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.